

## بررسی برخی مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری محلی در آثار باستانی پاریزی

شکوفه بخشایی شهر بابکی<sup>۱</sup>

علیرضا ابطحی<sup>۲</sup>

احمد کامرانی فر<sup>۳</sup>

ابوالفضل حسن آبادی<sup>۴</sup>

### چکیده

تاریخ‌نگاری محلی سومین گونه مشهور تاریخ‌نویسی پس از تاریخ‌های سلسله‌ای و عمومی است که به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک مکان اطلاق می‌شود. در این مقاله به بررسی برخی مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری محلی در آثار باستانی پاریزی پرداخته می‌شود. وی که دل‌بستگی ویژه‌ای به کرمان و زادگاهش پاریز داشت، در همه آثار خود به تاریخ این منطقه و همه زیروبم حوادث و رویدادهایش پرداخته است. در این مقاله به دو سؤال اصلی ریخت‌شناسی محلی‌نگاری باستانی پاریزی چیست؟ و مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری محلی باستانی پاریزی چیست؟ پاسخ داده می‌شود. روش پژوهش کتابخانه‌ای به همراه تحلیل و توصیف تاریخی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توجه به مسائل اجتماعی و اقتصادی با محوریت توده مردم، استفاده از ضرب‌المثل‌ها، اشعار، گفتارهای عامیانه، توجه دقیق به نام شهرها، روستاها و آبادی‌ها و نقل خاطرات شفاهی در نگارش تاریخ از جمله مهم‌ترین مشخصه‌های تاریخ‌نگاری محلی این نویسندگان است. همچنین وی جز معدود نویسندگان محلی‌نگار است که هم‌زمان در تاریخ‌نگاری محلی خود از روش ترکیبی محلی‌نگاری در طول و عرض استفاده نموده است.

**کلیدواژه‌ها:** باستانی پاریزی، تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری محلی، کرمان، ریخت‌شناسی محلی‌نگاری.

sh.bakhshaei@gmail.com  
a.abtahi1342@gmail.com  
kameranifar43@yahoo.com  
ahassanabady@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، ایران  
۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)  
۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، ایران  
۴. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

## *A Study of some Components of Local Historiography in the Works of Bastani Parizi*

Shokoofeh Bakhshaei Shahr Babaki<sup>1</sup>

Alireza Abtahi<sup>2</sup>

Ahmad Kamranifar<sup>3</sup>

Abolfazl Hassanabadi<sup>4</sup>

### **Abstract**

Local historiography is the third most popular type of historiography, after serial and general histories, which refers to the recording of historical events within a single place. This article examines some of the components of local historiography in the works of Bastani Parizi. He had a special attachment to Kerman and his hometown, Pariz. In all his works, he has dealt with the history of this region and all the ups and downs of its events and happenings. In this article, the two main questions are: what are the characteristics of the local historiography of Bastani Parizi and what are the components of the ancient local historiography of Parizi? This is an analytical- descriptive research examining available library resources. Proverbs, poems, slang, careful attention to the names of cities, villages and settlements, and quoting oral memoirs in the writing of history are among the most important features of the local historiography of this author. He is also one of the few local writers who has used the combined method of local and longitudinal historiography in his local historiography.

**Keywords:** Bastani Parizi, Historiography, Local Historiography, Kerman, People.

- 
1. PhD student in History of Islamic Azad University, Najafabad Branch, Iran  
sh.bakhshaei@gmail.com
  2. Assistant Professor Islamic Azad University, Najafabad Branch, Iran (Corresponding Author)  
a.abtahi1342@gmail.com
  3. Assistant Professor Islamic Azad University, Najafabad Branch, Iran  
kamranifar43@yahoo.com
  4. Assistant Professor Islamic Azad University, Mashhad Branch, Iran  
ahassanabady@yahoo.com

## مقدمه

محلی‌نگاری در تاریخ ایران پیشینه طولانی دارد و تاریخ‌نگاران محلی با تأثیرپذیری از حس علاقه به موطن خویش کتاب‌هایی را برای تفاخر و معرفی شهر و دیار خود به نگارش درآوردند که بعد از هزار سال هنوز هم یکی از مهم‌ترین نحله‌های تاریخ‌نگاری به شمار می‌رود زیرا روشی کارآمد برای جمع‌آوری اطلاعات از منابع محلی جهت حفظ و نگهداری میراث به‌جای‌مانده از گذشته برای نسل‌های آینده در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی است. آداب‌ورسوم، فولکلور، تاریخ اجتماعی، مشاغل، اقلیت‌های نژادی، حوادث و وقایع سیاسی، گروه‌های سیاسی، احزاب، انجمن‌ها، موزه‌ها، مستندسازی محلات و شهرها، مهاجران و صدها موضوع دیگر می‌تواند به‌عنوان موضوعات اصلی موردتوجه پروژه‌های تاریخ محلی قرار گیرد (حسن‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳۲).

محلی‌نگاران در ایران در طی قرون مختلف از روش‌های مختلفی برای نگارش آثار خود بهره برده‌اند که کمتر در میان آن‌ها نوآوری و توجه به نیازهای تاریخی هر دوره بوده است به‌نحوی که سبک و شیوه نگارش بسیاری از کتاب‌های محلی نوشته‌شده در تاریخ معاصر تفاوت محتوای چندانی با قرون اولیه نداشته و نویسنده صاحب سبک، کمتر در میان نویسندگان محلی‌نگار دیده می‌شود. در بین محلی‌نگاران در تاریخ ایران، باستانی پاریزی یک استثنا است. هرچند وی مانند بسیاری از دیگر محلی‌نگاران توجه خود را به محل زندگی خود معطوف کرده است اما شیوه و روش تاریخ‌نگاری ویژه بوده و از آن می‌توان به تاریخ زنده قلمداد کرد.

هدف اصلی از نگارش این مقاله بررسی شیوه و روش تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی از ورای تحلیل کتاب‌های وی است و با طرح دو سؤال اصلی ریخت‌شناسی محلی‌نگاری باستانی پاریزی چه است؟ و مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری محلی باستانی پاریزی چیست؟ تلاش می‌شود تا به این سؤال اصلی پاسخ داده شود که آیا می‌توان قائل به سبک و روش خاص برای تاریخ‌نگاری وی شد یا خیر؟

روش پژوهش کتابخانه‌ای به همراه تحلیل و توصیف تاریخی است و آثار نگاشته شده توسط باستانی پاریزی به‌عنوان منبع اصلی پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد. بررسی

پژوهش‌های انجام‌شده درباره باستانی پاریزی نشان می‌دهد که تاریخ‌نگاری وی به‌صورت نسبی موردتوجه دیگر پژوهشگران قرار گرفته است.

سیمین فصیحی در کتاب *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی*، بخشی را به باستانی پاریزی اختصاص داده و از او به‌عنوان ادیب و مورخی ممتازگر و مردم‌گرا یاد می‌کند (فصیحی، ۱۳۷۲: ۲۵۶). وی زندگی باستانی پاریزی را نیز به روایت شخصی نقل کرده و سپس سنت تاریخ‌نویسی او را بر اساس نوشته‌هایش مورد ارزیابی قرار می‌دهد و در پایان این بخش به نقد آثار باستانی پاریزی پرداخته است. از جمله نکات بارز موردتوجه فصیحی در آثار باستانی پاریزی مردم‌گرایی اوست که ما در این مقاله با عنوان توجه به طبقات فرودست از آن یاد کرده‌ایم. فصیحی اولین کسی است که شیوه تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی را نقادانه موردبررسی قرار داده و آن را زیر سؤال برده است هرچند که قضاوت وی در آن زمان کمی تند بوده است. مقاله «نقد و نظر درباره تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی» در ویژه‌نامه تاریخ محلی کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا* منتشر شده است. عبدالرسول خیراندیش، ضمن ارزیابی سبک تاریخ‌نگاری باستانی، به بینش وی نسبت به تاریخ پرداخته و این‌گونه نتیجه می‌گیرد که جنبه تخصصی برای باستانی پاریزی کرمان است و به بقیه تاریخ ایران و اسلام رویکرد تخصصی نداشته است (خیراندیش، ۱۳۸۲: ۳۷-۴۳).

حسن‌آبادی در پایان‌نامه «مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری محلی در تاریخ معاصر ایران» در بخش مورخان محلی‌نگاری به‌طورکلی به سبک باستانی پاریزی پرداخته و ذکر نموده که سهم او در تاریخ‌نگاری کرمان باعث شده تا به‌عنوان شناسنامه تاریخی شهر کرمان مطرح باشد. همو در مقاله «درآمدی بر ریخت‌شناسی محلی‌نگاری در تاریخ معاصر ایران»، در نتایج تحقیق عنوان می‌کند که محلی‌نگاری معاصر نسبت به تغییرات محیطی، خواسته‌ها و نیازهای تاریخی تغییر نکرده و بیشتر در چنبره گفتمانی سنت و الگوی قدیمی محلی‌نگاری باقی مانده است هرچند که برخی مورخان صاحب سبک مانند باستانی پاریزی برخی نوآوری‌ها در آن داشته‌اند (حسن‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۵۵). اعظم رنجبر در «سبک‌شناسی آثار باستانی پاریزی (با تکیه بر مجموعه هفتی)» مهم‌ترین ویژگی‌های سبک‌شناسی باستانی پاریزی را بررسی کرده و بر آن است که آثار باستانی پاریزی دارای سبک خاصی از

نویسندگی بوده که سبب تمایز آن از سایر نویسندگان شده و آثار او جنبه محلی و ملی پیدا کرده است (رنجبر، ۱۳۹۴: ۱۲۲) «پارادایم شناسی باستانی پاریزی» یکی از کامل‌ترین مقالات در زمینه تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی است. رنجبر در این مقاله به بحث هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تاریخ‌نگاری باستانی می‌پردازد رنجبر تاریخ‌نگاری وی را منزه با رویکرد تاریخ‌نویسی عمومی برمی‌شمارد که از منابع مختلف مانند ادبیات برای شناخت تاریخ بهره می‌برد (رنجبر، ۱۳۹۵: ۵۵).

زهره رضایی و دیگران در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی تحلیلی به جایگاه مخاطب عام در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی» به مردم‌گرایی باستانی در آثارش توجه ویژه کرده‌اند. باستانی در آثار خود معتقد است که مردم اگرچه در حوادث سیاسی اجتماعی به حاشیه رانده شده‌اند، اما در واقع از عوامل اصلی تاریخ‌سازی هستند (رضایی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۸). باستانی پاریزی سعی کرده است تا قرائتی غیررسمی از تاریخ به مخاطبان‌ش که همان مردم هستند، ارائه دهد. محور اصلی مقاله این است که چگونه باستانی پاریزی توانسته تاریخ رسمی را به تاریخی مردم‌پسند تبدیل کند که بخشی از پژوهش ما را نیز با عنوان طبقات فرودست در آثار باستانی پاریزی پوشش می‌دهد، اما تفاوت کار ما با آنچه ذکر شد آن است که در مقاله پیش رو به همه مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی توجه می‌شود.

فاطمه امینی‌زاده و زهره زرشناس در مقاله «طبقه‌بندی قصه‌های عامه در مجموعه هفت باستانی پاریزی و تاریخ کرمان محمود همت» به یک بخش از ویژگی تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی، یعنی ذکر قصه و داستان در لابه‌لای شرح حوادث تاریخی پرداخته‌اند. توجه نگارندگان بیشتر به قصه‌ها و فرهنگ‌عامه در آثار باستانی پاریزی معطوف است (امینی‌زاده، زرشناس، ۱۳۹۷: ۳۴-۳۵). تفاوت بین این مقاله با پژوهش حاضر آن است که ما از استفاده باستانی پاریزی از قصه‌ها برای توضیح و تفسیر حوادث تاریخی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری وی بهره برده‌ایم که در کنار دیگر ویژگی‌های تاریخ‌نگاری او در این باره هم سخن گفته‌ایم.

از پایان‌نامه‌ها درباره باستانی پاریزی می‌توان به بررسی نقش زبان طنز در آثار تاریخ‌نگاری دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی اشاره نمود. شول در این پژوهش به اهمیت زبان فاخر طنز

در آثار وی می‌پردازد (شول، ۱۳۸۷). از دیگر پایان‌نامه‌ها می‌توان به «سبک‌شناسی آثار باستانی پاریزی با تکیه بر مجموعه هفتی» اشاره نمود. در این اثر ضمن پرداختن به زندگی‌نامه باستانی پاریزی و معرفی آثار با رویکرد ادبی به بررسی سبک نوشتار و ادبیات به‌کاررفته در آثار وی می‌پردازد (زینلی، ۱۳۹۴).

چند کتاب نیز درباره باستانی پاریزی به نگارش درآمده است. «واکاوی طنز در آثار باستانی پاریزی» بحث و بررسی درباره طنز و چگونگی آن در آثار باستانی پاریزی می‌پردازد (احمدی، ۱۳۹۸). زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی زنده‌یاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی (قنبری، ۱۳۹۴) مجموعه‌ای از مقالات و نوشته‌ها درباره زندگی و خدمات علمی و فرهنگی و فعالیت‌های مرحوم استاد است که از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی منتشر شده است.

در مجموع می‌توان چنین برداشت نمود که باستانی پاریزی جز معدود مورخانی است که در زمان حیات و بعد از فوت موردتوجه پژوهشگران قرار گرفته است. تنوع موضوعات مطرح‌شده در آثار وی باعث شده که جایگاه وی به‌عنوان نویسنده‌ای صاحب سبک از منظر ادبیات، تاریخ و مردم‌شناسی موردتوجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد هرکدام از تحقیقات انجام‌شده به جنبه‌ای خاص از آثار وی توجه کرده‌اند و خصوصاً بررسی روشمند تاریخ‌نگاری وی کمتر موردتوجه قرار گرفته است که در این مقاله تلاش می‌شود تا به آن پرداخته شود.

### ۱- ریخت‌شناسی محلی‌نگاری باستانی پاریزی چیست؟

در تاریخ محلی هر کوچه داستانی دارد، هر خیابانی ماجرابی و هر گوشه حادثه‌ای که معمولاً در تاریخ کمتر دیده می‌شوند. ارزشمندی تاریخ محلی به جمع‌آوری اطلاعاتی است که گاهی قابلیت آمار شدن دارد و سیر مراحل توسعه یک شهر یا منطقه را مشخص می‌کند (Samuel, 1976: p195). تاریخ محلی ارتباط نزدیک بین جزئیات کوچک با کلیات یک جامعه بزرگ است و تلاش دارد تا تاریخ نزدیک را برای جامعه مخاطبانش قابل فهم سازد. این خردنگری باعث می‌شود تا تاریخ محلی با انجام پژوهش‌های محدود و کوچک به حوادثی که کمتر موردتوجه قرار می‌گیرد، اما قابل لمس کردن در زندگی روزانه مردم در یک محل است بپردازد (Leuillot, 2003: p171). تاریخ محلی، محلی کردن اطلاعات در

چهارچوب جمع‌آوری اطلاعات ریز از یک محل در واقع شرح روش زندگی دیدگاه‌ها و تفکرات مردمی است که در یک دوره در آنجا زندگی کرده‌اند مردمی که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (حسن‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۷). در برخی موارد تعصبات و افتخارات محلی در کنار انگیزه‌های علمی و دینی به پیدایش تاریخ‌نگاری محلی یاری می‌رساند (ناجی و دیگران، ۱۳۸۹: ۵۱). شاید بتوان با اندکی تسامح تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی را هم به نوعی به پیوند افتخارات ملی و توجه خاص به تاریخ کرمان که در هیچ نوشته‌ای نتوانسته بدون وصف تاریخ منطقه زادبومش عبور کند، گره زد.

تاریخ‌نگاری محلی ریشه در حس شهر وطنی و افتخارات بومی و محلی دارد که زندگی شهری را در تاریخ نشان می‌دهد و از حامیان این نوع تاریخ‌نگاری در گذشته، حکمرانان محلی و سلسله‌هایشان بوده‌اند (اشپولر و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۸۳). پژوهشگران وابسته به مکتب تاریخ‌نگاری انگلیسی، به‌ویژه دانشگاه لستر، در اواخر دهه ۱۹۵۰ م. بر این باور بودند که تاریخ‌نگاری محلی مطالعه پیدایش، رصد و انحطاط جوامع است و آن را بخشی از تاریخ ملی در نظر گرفته‌اند. یکی از شاخصه‌های مهم مکتب تاریخ‌نویسی ملی‌گرایانه، گرایش مورخان به محلی‌نگاری است؛ به عبارت دیگر، تاریخ‌نویس محلی، در کنار سایر گونه‌های تاریخ‌نویسی، یکی از زمینه‌هایی بوده است که تاریخ‌نویسان معاصر آن را آزموده و آثار ارزشمندی در این زمینه پدید آورده‌اند. این نوع تاریخ‌نگاری آگاهی‌های ارزشمندی درباره زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم یک شهر و ناحیه خاص ارائه می‌دهد که در دیگر گونه‌های تاریخ‌نگاری مانند تواریخ عمومی و یا سلسله‌ای کمتر دیده می‌شود. امروزه در پژوهش‌های تاریخی با رویکرد اجتماعی و تمدنی، تاریخ‌های محلی جایگاه برجسته یافته و در کنار دیگر منابع و متون در ترسیم چهره شهرها بسیار راه‌گشا هستند (رجایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹-۵۲). شایان‌ذکر است که به دلیل اینکه تاریخ‌نویسان محلی اغلب متأثر از وابستگی‌های عاطفی به موطن خود هستند و تفاخر محلی و بومی عامل مهمی در رشد تاریخ‌نگاری محلی است، «در آن وجود افسانه‌ها و روایت‌های گزافه برای بزرگ‌نمایی یک شهر و یا منطقه اندک نیست» (اشپولر و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۸۳).

کارال کمن بر این باور است که تاریخ‌نگاری محلی تنها بخشی از تاریخ ملی نیست،

بلکه مطالعه حوادث گذشته گروهی از مردم در منطقه جغرافیایی خاص است که بر طیف گسترده‌ای از شواهد مستند پایه‌گذاری شده و در بستر مقایسه‌گونه، به مطالعه منطقه‌ای ملی می‌پردازد (کمن، ۲۰۰۸: ۴). از جمله مطالبی که در تواریخ محلی به آن توجه شده جغرافیا، تاریخ بنای شهرها، اوضاع اقتصادی، اساطیر و افسانه‌ها، اوضاع اقتصادی و فرهنگی و شخصیت‌های آن محل و شهر است (قنوت، ۱۳۹۳: ۱-۶). انگیزه نگارش تاریخ‌های محلی را می‌توان عشق، دوستی و افتخار به وطن، تشویق و درخواست حاکمان یک منطقه از مورخان و نویسندگان برای نشان دادن جایگاه و پیشینه آن منطقه دانست (قدیمی قیداری، ۱۳۸۸: ۱۱۴). از جمله دلایل اهمیت تاریخ محلی می‌توان به مواردی همچون این موارد اشاره کرد: اطلاعات تاریخ محلی خاص هستند، دید انتقادی نسبت به حاکمیت سیاسی، اطلاعات جغرافیایی مفید، اطلاعات مربوط به خاندان‌های محلی، اطلاعات در مورد شیوه‌های آبیاری و اوقاف و... (شعبانی، ۱۳۹۲: ۷۰-۷۱). تقسیم تاریخ محلی به شیوه‌های مختلفی انجام شده که از آن جمله تاریخ‌نگاری محلی دنیوی و تاریخ‌نگاری محلی دینی هستند. در بخش دنیوی بیشتر به موقعیت جغرافیایی، فرهنگی و میهن‌دوستی... توجه می‌شود و در بخش دینی بیشتر توجه به مناطق مذهبی و... است (روزنتال، ۱۳۶۵: ۱۷۲-۱۷۳). نوع دیگری از تقسیم‌بندی تاریخ محلی بدین شرح است: الف) تاریخ محلی منطقه‌ای که حاصل علاقه مورخان به وطن خویش است. ب) تاریخ محلی دینی که تلاش مورخین برای آگاهی دادن به خوانندگان در مورد تاریخ مقدس شهرها هستند. ج) تاریخ محلی عمومی که به صورت کلی درباره شهرها و آبادی‌ها و به‌ویژه شهرهای صاحب شوکت و عظمت‌خواه اقتصادی یا سیاسی موردتوجه قرار گرفتند (آیین‌هوند، ۱۳۸۷: ۱۰۵). دکتر شعبانی ضمن تأیید تقسیم‌بندی‌های فوق محتوای تاریخ محلی را به هفت دسته کلی شامل: ۱. تاریخ محلی در ارتباط با یک محل یا خاندان معینی؛ ۲. تاریخ محلی مخصوص یک واقعه یا شورش؛ ۳. تاریخ محلی در پیوند با مباحث ملی و جهانی؛ ۴. تاریخ محلی و اطلاعات جغرافیایی؛ ۵. تاریخ محلی و شرح مهاجرت‌ها؛ ۶. تاریخ محلی و ذکر احادیث؛ ۷. تاریخ محلی و ذکر مزار بزرگان علمی و دینی، تقسیم‌بندی می‌کند (شعبانی، ۱۳۹۲: ۷۳-۷۲). برون‌داده‌ها و کارکرد تاریخ محلی به‌طور عمده در دو حیطة نگرشی تاریخ‌نگاری محلی در طول و تاریخ‌نگاری محلی در عرض، قابل‌تأمل است که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.



۱-۱- تاریخ‌نگاری محلی در طول: در تاریخ‌نگاری محلی در «طول» به بررسی تاریخ یک شهر، محله، روستا و یا منطقه در ادوار تاریخی مختلف از آغاز تا زمان مؤلف پرداخته می‌شود. نگاه مؤلف در این سبک تاریخ‌نگاری بیشتر به عنصر «زمان» دوخته شده است. او حوادث و اتفاقات محدود به شهر یا منطقه را در مسیر زمان، بازسازی و بازگویی می‌کند. به‌عنوان مثال در نگارش تاریخ اصفهان، مورخان محلی در هر دوره‌ای سعی کرده‌اند تا بنا بر دیدگاه‌های خود، به بررسی تاریخی این شهر از آغاز تا بعد از اسلام بپردازند و افسانه‌سازی‌ها، رویدادها و نقش شهر در این وقایع، شکل‌گیری محلات شهر و سرانجام ورود اسلام به اصفهان و تجدید حیات و تبدیل شدن آن به یکی از مهم‌ترین شهرهای جهان اسلام را شرح دهند (نورایی و رجایی، ۱۳۹۰: ۵۳).

۱-۲- تاریخ‌نگاری محلی در عرض: در این‌گونه تاریخ‌نگاری، مورخ محلی به زمان حال خود نزدیک است و موضوع یا موضوعات خاصی را در یک مقطع زمانی مشخص از شهر و روستای خود مورد بررسی قرار می‌دهد. اطراف مورخ محلی انباشته از موضوعات متنوعی است که هم از لحاظ زمانی و هم از جهت مکانی، در نزدیکی وی قرار دارند. نگاه وی خردنگر است و مسائل پیرامون را ذره‌بین قرار می‌دهد تا از چگونگی ظهور و افول، رشد و نمو، تغییر و تحول، تداوم و انقطاع رویدادها و پدیده‌های جامعه اطلاع یابد (نورایی، ۱۳۹۰: ۶).

باستانی پاریزی در روش تاریخ‌نگاری در عرض، به معرفی موقعیت مکانی، آب‌وهوا، امامزاده‌ها، جاده‌ها، تغذیه و پرورش دام و طیور، پستی‌وبلندی زمین و محصولات، صادرات و واردات و نیز صنایع یک منطقه پرداخته است. نگاه در عرض از یک منظر نگاهی جغرافی‌گرا است. به عبارت دیگر، پرداختن به موضوعات گروهی از افراد جامعه در مقطع زمانی و مکانی خاص، بن‌مایه اصلی تاریخ‌نگاری محلی باستانی پاریزی بوده که با شیوه سنتی محلی‌نگاری متفاوت بوده است.

تاریخ‌نگاری محلی در عرض، بیشتر توصیف پدیده‌های «اکنون و پیرامون» در حد و اندازه دید مستقیم و یا شنیده‌های بی‌واسطه است. «وقتی مورخ تاریخ محلی به آب‌وهوا، پستی‌وبلندی زمین، محصولات، صادرات و واردات و نیز صنایع یک منطقه نظر می‌اندازد و

یا حتی آداب‌ورسوم و سنت‌های آنجا را بازگو می‌کند و در توصیف یک شهر آثار و ابنیه مهم آن را برشمرده، شخصیت‌ها و نام‌آوران آن را یاد می‌کند، نگاهی در عرض داشته است. چنان‌که می‌دانیم بسیاری از کتب تواریخ محلی عصر قاجار، کلمه «جغرافیا» را در پیشوند خود دارند؛ مانند «جغرافیای کرمان» و «جغرافیای بلوچستان» هر دو اثر احمدعلی خان وزیری و «جغرافیای اصفهان» اثر میرزا حسین تحویلدار از آن جمله هستند (نورایی و رجایی، ۱۳۹۰: ۵۴). باستانی آثار زیادی را در موضوع تاریخ‌نگاری در عرض نوشته است. کتاب *درخت جواهر مجموعه‌ای از مقالات فارسی است*. کتاب‌های محبوب *سیاه و طوطی سبز و شمعی در طوفان مجموعه‌ای از مقاله‌های مربوط به ادبیات است*. همچنین کتاب *زیر این هفت آسمان* که بیشتر شامل مقالات اجتماعی است و *یا سنگ هفت قلم و کوچه هفت پیچ* که بیشتر جنبه تاریخی و جغرافیایی دارد. کتاب *آسیای هفت‌سنگ* که بیشتر جنبه تاریخی دارد و از اقلیم پارس، فداکاران گمنام، کتابخانه اسکندریه، ساداهانا و در مورد آرد کردن گندم در قدیم‌ها و اختراع آسیایی که با هفت‌سنگ کار می‌کرد و ... سخن رانده شده است. آثاری از این دست در میان کتب چاپ‌شده باستانی بسیار است.

شاید بتوان در نوشته‌های همه مورخان رد پای از تاریخ محلی را یافت، ولی باستانی پاریزی علاوه بر نگارش تاریخ محلی در اکثر آثار خویش مواد لازم برای نگارش تاریخ محلی را فراهم کرده است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری در عرض باستانی توجه به تاریخ فرودستان است.

مفهوم «تاریخ فرودستان» که گاهی از آن با نام تاریخ از پایین نیز یاد می‌شود، نوعی روش، رویکرد و نگاه به تاریخ اجتماعی است. مکتب‌های مختلف تاریخی مانند تاریخ سیاست، تاریخ ارتش، تاریخ دولت، تاریخ قدرت، تاریخ دین، تاریخ اداری و تاریخ مردان نامی وجود دارد. همه این مکاتب به تاریخ فرادستان می‌پردازند. موضوع اصلی تاریخ فرودستان، شرح تاریخ توده‌هاست؛ زندگی عادی و معمولی، بدون قدرت و ثروت. چنین نگاه و دیدگاه تاریخی به انسان، جامعه و تاریخ در دنیای مدرن اسباب ظهور پیدا کرد و محصول رشد و تکامل علمی همچون اقتصاد سیاسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و انسان‌شناسی فرهنگی نوین شد (حسینی، ۱۳۹۱: ۸۵-۹۶). فرودست به اقشار زیردست و گروه‌هایی که حکام نقش

آن‌ها را در ساختن فرهنگ و تاریخ محلی خود منکر می‌شوند از جمله: دهقانان کارگران و رعایا و تمام گروه‌هایی که از رسیدن به قدرت بازداشته شده‌اند (محمدی، ۱۳۹۷: ۴۶۱) در دوره‌ای که همه مورخان سیاست را به‌عنوان محور تاریخ می‌پروراندند و به اجتماع هیچ التفاتی نداشتند و به عبارتی مردم عادی برای مورخان در حاشیه بودند، باستانی آگاهانه حاشیه را در مرکز نشانند. باستانی اشراف‌زاده و روحانی‌زاده است و از این‌رو جمع دو صداست: یک چشم او به رعیت است و چشم دیگرش به نخبگان (اشراف). او البته تاریخ را برای مردم می‌نویسد که به آن اشاره شد، اما از سوی دیگر، باستانی روایت‌گر تاریخ زندگی مردم کوچه و بازار است و البته نه مورخی اجتماعی. از همین روست که توضیح متافیزیکی رویدادها و یافتن مکافات عمل برای کنش‌گران را نبایست تبیینی تاریخی دانست؛ در واقع او روایت‌گر تاریخ فرودستان است. در این روایت پرواضح است که باورداشته‌های مردم نیز جایگاهی ویژه می‌یابد و به‌نوعی ملاک و معیار برای وثوقیت داده‌های تاریخی به حساب می‌آید. باستانی خود در *اژدهای هفت‌سر* اشاره می‌کند که هر روایتی که خلاف سنت و زندگی روزمره مردم بیان شده، در آن تشکیک و تردید کرده است (باستانی پاریزی، ۱۳۵۵: ۵۲۷).

از نکاتی که از باستانی پاریزی و آثار او برمی‌آید، توجه به توده‌های مردم و مسئولان محلی و ارزش آنان در شناخت تحولات تاریخی است. آنچه باید در نظر داشت این است که بین تهی‌دست و فرودست تفاوت قائل شویم. فرودست لزوماً تهی‌دست نیست، اما تهی‌دست حتماً فرودست است. فرودست گروه‌های اجتماعی را شامل می‌شود که به حاشیه رانده شده‌اند و در حقیقت زمینه را برای برخوردار و اعمال قدرت ندارند. آن‌ها می‌توانند تهی‌دست باشند، می‌توانند هم نباشند، ولی به هر صورت بود و باش آن‌ها برای مطالعه تاریخ اجتماعی، بسیار مهم است. او می‌کوشد تاریخ را نه از منظر حاکمان و تاریخ‌نگاران شیفته سیاست، بلکه از چشم‌انداز فرودستان جامعه ببیند. همان‌ها که «بود و باش»شان عاری از هر نفوذی در ساختار قدرت و تعیین سرنوشتشان بوده است. از کوچه‌باغ‌های تاریک و روشن تاریخ مکرر این سرزمین کهن که می‌گذریم، سر هر پیچ تند و کنار هر باروی فروریخته‌ای آنچه بیش از رنج و ظلم و ستم رفته بر مردمان این سرزمین به گوش می‌آید، بازتاب خاطرات تلخ این اقوام نیشترچشیده از دست شاه و ارباب و ولی‌نعمت است که در

پرده ایهام و استعاره و لطیفه و مطایبه در دواوین و مرسولات و منشآت نبشته آمده و انگار یادآوری روزهای تلخ به مدد این نیشخندها و ریشخندها، برای مردم زجر مکرر چشیده راحت‌تر است. ما در ایران غالباً به زندگی شاهان و وزیران و حداکثر نمایندگان مجلس توجه داریم. توجه خاص باستانی پاریزی به زندگی افراد کمتر شناخته‌شده یا در تاریخ موردتوجه قرار نگرفته، بسیار ستودنی و مرجعی مهم است. به زندگی مردم و مخصوصاً عامه و تأثیر حوادث و سیاست‌ها بر آن و تغییرات و تحولاتی که بر آن عارض می‌شد، عنایت داشت.

در مقاله پنجم از کتاب *خاتون هفت قلعه* با نام «گناهکاران بی‌گناه»، نویسنده اوضاع نابسامان دهقانان و توده مردم را از جنبه ظلم و ستمی که از جانب فئودال و اشراف و... به آن‌ها می‌شده و تحمل این رنج، بیان می‌کند و بعد از جنبه‌های تاریخی و اجتماعی اصطلاحات ارضی و تلاش حکومت‌های اصلاح‌طلب گذشته، اصلاحات ارضی را ستوده است (سجادی، ۱۳۴۴: ۲۶، ۱۷۰-۱۷۲). آثار باستانی از این لحاظ در سکوت و فقدان منابع تاریخ اجتماعی ایران، منبع مهمی برای پژوهش‌های تاریخ اجتماعی ایران محسوب می‌شود که باید این بار با تبیین تاریخی واکاویده شود.

### ۱-۳- ترکیب روش‌های تاریخ‌نگاری در بُعد طولی و عرضی در آثار باستانی

**پاریزی:** برجسته‌ترین اثر باستانی پاریزی در حوزه تاریخ‌نگاری محلی مبتنی بر ترکیب جدیدی از دو روش طولی و عرضی، «مجموعه ارزشمند هفتی» است. در میان نوشته‌های باستانی پاریزی هفت کتاب به‌عنوان «سبعه ثمانیه» متمایز است که همگی در خود نام هفت را دارند، مانند *خاتون هفت قلعه* یا *آسیای هفت‌سنگ* و... و بعدها کتابی به نام *هشت هفت* هم به این مجموعه اضافه شد. شایان‌ذکر است که باستانی پاریزی در *مجموعه هفتی* خود، در آغاز هر اثر، به چگونگی انتخاب نام و دلیل آن، به‌طور نمادین با مخاطب خود سخن می‌گوید و او را از این راز پنهانی باخبر می‌کند. در زیر به بخش‌هایی از مدل و طرح پژوهشی باستانی پاریزی در این آثار ارزشمند اشاره می‌شود:

- مؤلف ضمن معرفی شهرها و روستاهای کوچک به بیان ویژگی‌های جغرافیایی آن‌ها مانند آب‌وهوا، محصولات، بیان نژاد و مسلک مردم ساکن در آن محل، تعداد خانوار، منازل و حرفه‌های آن‌ها و بیان مسافت پرداخته است.

- بیان شرح‌حال افراد مهم و بزرگان از قبیل امامزاده‌ها، علما، شعرا و ... .
  - استفاده مؤلف از منابع تحقیقاتی گوناگون مانند وقف‌نامه‌ها، بناهای تاریخی، شجره‌نامه‌های خانوادگی و ... .
- هدف باستانی پاریزی در تاریخ‌نگاری: به‌منظور درک بهتر از روش نوشتاری باستانی در نقل وقایع تاریخی باید از هدف نگارش تاریخ نزد او آگاه شد. می‌توان اهداف باستانی پاریزی را از انتخاب این شیوه بیان و نگارش تاریخی به دلایل ذیل دانست:
- الف) توجیه و پربار نمودن واقعیت‌های تاریخی؛
  - ب) زیبا و آراسته کردن آثار خویش؛
  - ج) بیان انتقاد با رعایت اندیشه محافظه‌کارانه؛
  - د) عنایت و تعلق خاطر باستانی پاریزی به مشیت الهی و تأثیر آن بر باورها و افکار؛
  - ه) یادآوری گذشته و افرادی که نامی در تاریخ ندارند؛
  - و) از همه مهم‌تر ارائه حکایات عامیانه، ولی سرشار از عبرت با چاشنی تجربه و خاطره برای تجربه‌اندوزی دیگران؛
  - ز) تلنگر زدن به اسباب قدرت و زمامداران، برای توجه بیشتر به مردم فرودست؛
  - ح) ترکیب جغرافیا و تاریخ در تاریخ‌نگاری ایشان؛
  - ط) ایجاد سبکی نو در تاریخ‌نگاری.

## ۲- مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی چیست؟

باستانی پاریزی علاوه بر استفاده از سبک تاریخ‌نگاری سنتی، از روش‌های نوین تاریخ‌نگاری نیز استفاده کرده است. باستانی درعین‌حال که ادامه‌دهنده سنت تاریخ‌نگاری محلی گذشتگان است با استفاده از روش تاریخ‌نگاری علمی سعی می‌کند تا سویه‌های جدیدی را در تاریخ‌نگاری معرفی نماید.

۲-۱- **توانمندی شخصیتی باستانی پاریزی:** هر مورخی تحت تأثیر روحيات و اخلاقیات خود ممکن است به شکل متفاوتی از تاریخ‌نگاری بپردازد و این مسئله در تاریخ‌نگاری محلی نمود بیشتری دارد. از ویژگی‌های شخصی باستانی نفی حب و بغض شخصی در نگارش آثارش است. باستانی پاریزی حب و بغض شخصی در نگارش تاریخی را امری ناپسند و باعث تحریف واقعیت‌ها و همچنین عاملی برای کاهش اعتبار فرد در تاریخ‌نگاری و کاهش ارزش تاریخی متن می‌داند. از نظر او «یک مورخ، یک طبیب اجتماعی است. او در پی کشف علل بیماری جوامع است، البته هرگز کارش از اشتباه خالی نیست... گذشت روزگار اشتباه طبیب را از یاد می‌برد، اما اشتباه مورخ در طی گذشت سال‌ها، روزه‌روز واضح‌تر و دقیق‌تر می‌شود!... آدمی که در تاریخ کار می‌کند، مثل کسی است که در آزمایشگاه طبی مسئول جواب دادن نتیجه آزمایش طبی اشخاص است. طفل است یا بزرگ، خوش‌اخلاق است یا بداخلاق، می‌خواهد وزیر باشد می‌خواهد منشی سفیر» (باستانی پاریزی، ۱۳۵۵: ۴۰).

از دیگر برجستگی‌های شخصیت علمی باستانی پاریزی به‌عنوان یک مورخ، آشنایی او با سه زبان عربی، فرانسوی و تا حدی انگلیسی است. این آشنایی دامنه منابع و اسناد مطالعاتی و حتی جهان‌بینی وی را وسعت می‌داد. از این طریق شاید بتوان گام‌هایی را در تغییر شیوه تاریخ‌نگاری مرسوم در نوشتار تاریخی و آثار وی مشاهده کرد. باستانی به ترجمه متون فرانسوی نیز اشتغال داشت و کتاب معلم اول ارسطو را با عنوان «اصول حکومت آتن» ترجمه کرد. کتاب یعقوب لیث صفاری را به سفارش مؤسسه فرانکلین برای جوانان نوشت که در سال ۱۹۷۱ میلادی / ۱۳۵۰ شمسی در قاهره به زبان عربی ترجمه و چاپ شده است. کتاب «بازیگران کاخ سبز» در اصل ترجمه‌ای از یک داستان مذهبی از یک روزنامه عربی است که نویسنده اصلی داستان، وهبی اسماعیل حقی نام دارد که شامل یادداشت‌هایی با موضوعات مختلف است. دو یادداشت کتاب درباره تربیت، معلمان و مربیان و محیط‌های دانشجویی، به‌خصوص خوابگاه‌هاست. مدرسه، دانشگاه و ساخت خوابگاه برای دانشجویان از مسائل کلیدی این مقالات است. چهره امیرکبیر در ادبیات پارسی، عنوان یادداشت بعدی کتاب است که به بررسی چهره امیر در سه دوره اختصاص دارد. نخست روزگار قبل از صدارت، دوم روزگار پس از قتل امیر تا اواخر عهد ناصرالدین‌شاه و سوم پس از قتل

ناصرالدین‌شاه. در یادداشتی دیگر اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی بررسی می‌شود. باقی حجم کتاب نیز به یادداشت‌هایی در خصوص خوابگاه دانشجویان، وضعیت دانشجویان خارج از کشور و ذکر خاطراتی از دوران دانشجویی مؤلف اختصاص دارد (باستانی پاریزی، ۱۳۷۴: ۱۰). این داستان در روزنامه «بامداد قم» در سال ۱۳۲۸ شمسی چاپ شده و سپس کتاب *بازیگران کاخ سبز* برای اولین بار از نویسنده در سال ۱۳۷۴ شمسی به چاپ رسیده است.

آزادگی در بیان حقایق و ایجاد الگوی خودانتقادی در آثار از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصی تاریخ‌نگاری باستانی است. کمتر مورخی را می‌توان یافت که آشکارا و دلیرانه با ذکر لغزش‌های علمی و اشتباهات خود، به نقد خویش - و یا به زبان دل‌نشین و طنزآمیز - «خودمشت‌مالی» در آثار منتشرشده‌اش بپردازد و صادقانه به‌منظور اصلاح آن‌ها تلاش ورزد که باید آن را فرایندی خاص در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی به شمار آورد (باستانی پاریزی، ۱۳۷۸: ۴). بنابراین، این ویژگی از جمله ویژگی‌های خاص تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی است که آن را از بقیه آثار و مورخان متمایز می‌سازد.

توجه به اعتبار سنجی منابع و دقت در ارجاعات از دیگر توانمندی‌های شخصیتی باستانی است. وی با استفاده از تمثیل دشواری باغبانی کردن خارستان در مقابل گلستان اذعان دارد که: «ما اهل تاریخ هم، درگیر حوادث، دچار چنین مشکلی هستیم...» (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۲-۱۳) و حال بیان از آن دارد که «ناتوانی و ضعف من در جست‌وجو و کاوشگری همین منابع محدود و معدود نیز مسلم و آشکار است؛ اما به‌هرحال، کوشش من بر این بوده است که به قول بی‌بیهی تاریخ به راه راست بروم که روا نیست در تاریخ تسخیر و تحریف و تغییر و تبذیر کردن...» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۴: ۵۱). او در چارچوب سیستم مثلی تعریف‌شده خود در زمینه تاریخ‌نگاری، گرچه سند و شاهد را مبنای بیان تاریخی قرار می‌دهد، اما از اهمیت عنصر ابتکار در تحلیل و بیان تاریخی نیز به‌خوبی آگاه است.

**۲-۲- مردم‌نگاری در آثار باستانی پاریزی:** یکی دیگر از محتوا و مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی در حوزه اجتماعی است. مسائلی که در حوزه اجتماعی تاریخ می‌تواند موردتحقیق مورخ محلی‌نگار باشد، عبارت است از فرهنگ و هویت، منابع انسانی و اقتصادی، نظام اجتماعی.

تحلیل یک پدیده بر مبنای تداوم و تغییر مانند پیدایش یک شهر یا یک روستا و یا حتی یک ایل. در نوشتار باستانی پاریزی از بُعد اجتماعی مؤلفه‌هایی نظیر ساختار زندگی شهرنشینی یکجانشینی، طبقات فرودست، اصناف، نحوه گذراندن اوقات فراغت و آداب رسوم، نمود دارد. این تنوع محتوایی و موضوعات در دامنه اجتماعی، نمایی از تغییر نگرش سنت قدیم به نوین در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی است.

مطالعه دقیق و همه‌جانبه تظاهرات مادی و غیرمادی فعالیت‌های انسانی در جامعه محدود را مردم‌نگاری می‌نامند (روح‌الامینی، ۱۳۷۷). «پیغمبر دزدان» را می‌توان یکی از آثار برجسته در زمینه مردم‌نگاری و تصویرسازی فرهنگ‌عامه به شمار آورد. در این کتاب به مطالعه تاریخ حیات اجتماعی مردم ایران پرداخته و از این لحاظ کتاب پیغمبر دزدان به‌عنوان یک اثر ارزشمند به مؤلفه‌های حیات اجتماعی و مردم‌نگاری اشاره می‌کند. به‌طور کلی منابع و انواع فولکلور به شش بخش اعتقادات، سنت‌ها، روایات، گفتارهای عامیانه، هنرهای عوام و مکان‌های محلی تقسیم می‌شود (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۱۵۶). شاخص‌های فرهنگ‌عامه در این کتاب عبارت‌اند از:

**۲-۱- اعتقادات، باورها و سنت‌ها:** باستانی پاریزی به فرهنگ و آداب و رسوم مردم و برخی باورهای خرافی آن‌ها نیز توجه ویژه داشت و از نقل افسانه‌ها و داستان‌هایی که به شکلی با معیارهای عقلی سازگاری نداشت، خودداری نمی‌کرد. از جمله: «افسانه‌ای هم هست که به قول یکی از شاهزادگان قاجار، سلطان شهید آقا محمدخان صبح زود به حمام رفت. جن در حمام بود، انگشتان را از پشت به گردن جن انداخت و گروهی گفته‌اند که تا هفت‌پشت به عقاب ایشان آسیب نرسانند» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۶۴۳). باستانی پاریزی همیشه به دنبال یافتن علت‌ها بود. عقیده داشت که گاهی برخی از علت‌ها از حد عادی خارج هستند. همچنین برخی از حوادث تاریخی به‌گونه‌ای است که یا ما آن‌ها را درک نمی‌کنیم یا از مسائل علمی بیرون می‌رود. او معتقد است که رابطه ما با خداوند «یک‌طرفه» است: «خداوند حسابی با ما ندارد و ما هم که به او ارادت داریم، او هیچ‌وقت ما را تنها نگذاشته است و گرفتارمان نکرده است» (فیضی، ۱۳۹۰: ۳۷۹) سنت‌ها نیز یکی از موضوعات مرتبط با زندگی مردم است و آن را می‌توان در انواع جشن‌ها، آیین‌ها، بازی‌ها، پخت‌وپز، لباس‌های محلی، مراسم تعزیه و سوگواری مشاهده کرد. یاد و جشن‌های ملی و



مذهبی شادمانی، ایام شهادت پیشوایان مذهبی و... همه و همه را می‌توان مربوط به سنت‌ها دانست (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۱۸). «در بی‌بی حکیمه کازرون، درخت کناری هست که به بی‌بی کنار معروف است؛ زانی که حملشان نمی‌شود، برگ آن را می‌برند و...» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۳۲۰). سنت‌ها و این‌گونه مراسمات که بخش بزرگی از فرهنگ و روابط اجتماعی رانشان می‌دهد، در آثار باستانی پاریزی آورده شده است.

**۲-۲-۲- توجه به روایات و گفتارهای عامیانه:** باستانی پاریزی در کتاب پیغمبر دزدان روایت مذهبی زیادی به کار برده است. از آن جمله: «روایت است که مر میکائیل را ۷۰۰۰۰۰ سرهنگ است و با هر یکی علمی و در زیر هر علمی ۷۰۰ هزار فرشته دیگر هم سقف برکشیده و منتظر فرمان میکائیل ایستاده... بر قطرات باران و برف و هر گیاهی که از زمین بروید یکی از این فرشتگان موکل است» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۴۰۵). وجود این‌گونه روایات در آثار باستانی پاریزی دیده می‌شود که به‌صورت روان و قابل‌درک آن‌ها را بیان کرده است.

کاربرد عبارات و کلمات عامیانه در نوشتار باستانی پاریزی به حدی است که بدل به ویژگی نوشتاری شده است. «با باران تند و بی‌وقت و غیر موسم، ضرب‌المثل است در دهات ما برای بعضی‌ها که ناگهان و از راه غیرمعمول به ثروت رسیده و کاروبارشان خوب باشد، می‌گویند: باران خمینه آمده و ترک‌ها شب ورهم آمده» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۷۲۴). وجود گفتار عامیانه در آثار باستانی پاریزی را می‌توان از نام برخی آثارش هم متوجه شد؛ همچون نون جو، دوغ گو، این ویژگی نوشته‌های وی را خاص و متفاوت کرده است.

### ۳- کاربرد جغرافیا در تاریخ

جغرافیا دانشی درباره علم شناخت محیط، طبیعت و جامعه است. باستانی پاریزی به‌طور گسترده در این زمینه فعال بوده است. مهم‌ترین آثار باستانی پاریزی در زمینه محلی‌نگاری تدوین و تألیف مجموعه ۱۴ جلدی مربوط به تاریخ و جغرافیای کرمان است که به‌جز اطلاعات جغرافیایی، شامل مطالبی تاریخی درباره شهرستان‌ها، شهرها و روستاهای کرمان است که مؤلف در آن‌ها ضمن شرح و گزارش هر مکان به رجال و مشاهیر آن ناحیه و آثار ادیبان و شاعران و تاریخ آنجا پرداخته است.

باستانی پاریزی توجه ویژه‌ای به جغرافیای تاریخی مناطق ایران به‌ویژه ریشه‌یابی و نام‌گذاری شهرها و اماکن، به‌خصوص کرمان داشت. میزان توجه باستانی پاریزی به مسئله جغرافیای تاریخی به‌قدری است که کتاب *وادی هفت واد* او مشتمل بر اطلاعات مربوط به مباحث تاریخ، جغرافیا، اوضاع اقتصاد و جامعه است و این اثر به پیشنهاد انجمن آثار ملی در مورد آثار تاریخی کرمان تنظیم شده است. «جغرافیای کرمان» نیز رساله‌ای است با عنوان جغرافیای مملکت کرمان که به‌عنوان مقدمه، در ابتدای نسخه تاریخ کرمان وزیر نوشته شده است. کتاب *کوچه هفت پیچ* از هفتی‌های اوست که به‌صورت مجموعه‌ای از مقالات جمع‌آوری شده و در سال ۱۳۵۵ شمسی به چاپ رسیده است و بیشتر جنبه تاریخی و تا حدودی هم جغرافیایی دارد. کتاب *هزارستان* که باستانی پاریزی در مورد علت انتخاب نام این کتاب چنین می‌گوید: «مقالاتی که در این کتاب هست به صورت‌هایی، ربطی با هزار و هزاره دارد و به همین دلیل نام آن را هزارستان گذاشتیم» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۰: ۳۹-۴۱). همچنین می‌گوید: «این کتاب را من بر اساس مناسبات تاریخ با علم جغرافیا تحریر کرده‌ام. کوشش کرده‌ام میان سه علم تاریخ، جغرافیا و جامعه‌شناسی آشتی ایجاد کنم که چاشنی گونه‌ای از ادب فارسی بدان افزوده‌ام و کوشیدم مناسبات عالم با عالم خاک را اندکی روشن کنم و این فقط در چارچوب نتایجی است که اشعه زر تار آفتاب در گیرودار تاریخ عالم حادث می‌سازند و سعی کرده‌ام شواهدی به دست دهم که همه وقایع تاریخ عالم و سرنوشت انسان با اشعه زر تار آفتاب پیوستگی دارد...» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱: ۱۷-۱۹). *ازدهای هفت‌سر* نیز بی‌تردید یکی از جامع‌ترین آثار به زبان پارسی است که تاکنون درباره جغرافیای تاریخی جاده ابریشم نگاشته شده است (باستانی پاریزی، ۱۳۵۵). باستانی پاریزی با ترکیب جغرافیا و تاریخ سعی داشت در تکمیل پدیده‌های محیطی و تاریخی اطلاعات متقنی به خواننده و مخاطبانش برساند. باستانی پاریزی در اکثر آثارش سعی در شناساندن و معرفی منطقه موردبحث داشته است. چنانچه معرفی مکان‌های بومی که محل تولد بسیاری از شخصیت‌های کتاب و یا محل بروز بسیاری از حوادث و اتفاقات است، موردتوجه وی بوده است. در کتاب *پیغمبر دزدان* بسیار موشکافانه و دقیق به تصویر کشیده شده است. «چاقوت، نام گردنه و گذاری است بین سیرجان و بندرعباس که سابق بر این دزدگاه معروفی بوده، چه راه منحصر بندر به سیرجان و یزد از همین نقطه می‌گذرد» (باستانی پاریزی، ۱۳۸۲: ۴۷).

## جدول ۱: ساختار محلی‌نگاری آثار مربوط به کرمان

شاخصه	محتوا و بن‌مایه محلی‌نگاری باستانی پاریزی در آثار مربوط به کرمان
روش گردآوری اطلاعات	مشاهده مستقیم، خاطره‌نگاری و تاریخ شفاهی به شیوه جدید، استفاده از آرشیو اسناد و کتب دیگر
محتوا	اشاره به فولکلور، موقعیت، تاریخچه، تجارت، معیشت، محلی‌نگاری عرضی و طولی
هدف	علاقه‌مندی به وطن، ایجاد شناخت و آگاهی، مردمی کردن تاریخ، ایجاد انگیزه برای تحقیقات بیشتر
منابع	منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای، اداری و کلاسیک، بناها، عکس‌ها، روزنامه‌ها، مشاهدات شخصی، بررسی کتب تاریخی (مربوط به تصحیح و ترجمه)

## جدول ۲: عناصر محلی‌نگاری باستانی پاریزی

عناصر	محتوا
جغرافیایی	شرح ویژگی‌های جغرافیایی و طبیعی، وصف آب‌وهوا، زراعت، منابع شعرها و دهات، بیان مساحت و وسعت، محصولات و فراورده‌ها
اجتماعی	احوال رجال اعم از فرمانروایان، شاهزادگان، امرا و وزراء، بزرگان علم و ادب، فقها، ذکر اوضاع اجتماعی و اقتصادی و شرح زندگی فرودستان
سیاسی	شرح وقایع سیاسی، شرح شورش‌ها، جنگ‌ها و ...
فولکلور	ذکر محاسن و فضایل منطقه، بیان احوال، خلق‌و‌خو، آداب‌ورسوم، باورها، زبان و لهجه
مذهبی	بیان اختلافات و کشمکش‌های مذهبی و فرقه‌ای

## نتیجه

باستانی پاریزی مؤلفی فعال در زمینه تاریخ‌نگاری محلی و نوین بوده است و هدف وی در تألیف آثار خویش برای شناخت اماکن و محلات گمنام ایران، افزایش آگاهی و شناخت مردم با شاخصه‌هایی مانند اشاره به اهمیت منابع انسانی، فرهنگ و هویت‌زایی، منابع اقتصادی، تحلیل فضا، مکان، زمان در پدیده‌های تاریخی، توصیف شکل و ساختار فیزیکی

شهرها و روستاها، در جغرافیای تاریخی یک مکان و نظام اجتماعی بوده است. در بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری محلی باستانی پاریزی، در پژوهش حاضر محلی‌نگاری در «بعد عرضی» نمود بیشتری نسبت به محلی‌نگاری در «بعد طولی» پیدا کرده و در گردآوری اطلاعات از مؤلفه‌های جدید تاریخ‌نگاری از قبیل توجه به علوم باستان‌شناسی و جغرافیا، اهمیت به گردآوری اطلاعات میدانی، ابتکار در ایجاد الگوی خودنقدی، نگارش رساله‌هایی درباره حقوق زنان و تاریخ فرودستان نسبت به سنت تاریخ‌نگاری محلی ماقبلش استفاده کرده است. آثار باستانی از این لحاظ که در سکوت و فقدان منابع تاریخ اجتماعی ایران، منبع مهمی برای پژوهش‌های تاریخ اجتماعی ایران محسوب می‌شود، باید با تبیین تاریخی واکاویده شود. هم‌چنان‌که آثار او منبع مهمی برای تاریخ محلی کرمان محسوب می‌شود. اهمیت باستانی زمانی بیش‌ازپیش روشن می‌شود که به این نکته توجه شود که او زمانی بر «تاریخ محلی» تأکید داشته که هیچ‌کدام از مبانی نظری نحله‌های جدید تاریخ‌نگاری همچون «تمرکززدایی از تاریخ» مطرح نبود. او به ابعادی از تاریخ معاصر و اخبار کوچک و بازار و تبدیل شفاهیات به کتبیات پرداخته که جنبه مردم‌شناسانه یا به عبارتی تاریخ اجتماعی دارد. از این‌رو، بسیاری از قصه‌های کوچک‌بازار را وارد تاریخ کرد. او مورخ تاریخ مردم ایران بود و مردم را به‌عنوان یک عنصر اصلی در تاریخ در نظر می‌گرفت. وی را با وجود آثاری همچون مجموعه بزرگ هفتی، *از پاریز تا پاریس*، *جغرافیای کرمان* و *پیغمبر دزدان* و... می‌توان از جمله محلی‌نگاران پرکار در بُعد عرضی تاریخ معاصر ایران محسوب کرد. گرایش به مسائل اجتماعی و فرهنگی، تنوع موضوعات اجتماعی در بسیاری از آثار باستانی پاریزی و توجه به لایه‌ها کمتر موردتوجه قرار گرفته است. در تاریخ رسمی، مواردی همچون زنان، روستاییان و توده‌های مردم این امکان را فراهم کرده است تا باستانی پاریزی در زمره تاریخ‌نگاران مدرن در حیطه تاریخ اجتماعی و محلی قرار گیرد؛ به‌ویژه آنکه بسیاری از آثار وی به حوزه جغرافیایی کرمان مربوط است. مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری محلی همچون نفی حب و بغض شخصی در نگارش تاریخ، مردم‌نگاری، تأکید بر بیوگرافی‌نویسی، آشنایی با زبان‌های مختلف، استفاده از تاریخ شفاهی، اهمیت به منابع و شواهد، نگارش جغرافیای تاریخی، ایجاد الگوی خودنقدی، سفرنامه‌نویسی، به‌کارگیری علوم جغرافیا و نگارش مقالات مختلف در آثار ایشان به‌خوبی مشهود است.

## منابع و مأخذ

### کتاب‌ها

- آیین‌وند، صادق (۱۳۸۷)، *علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی*، چ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- احمدی، خشایار (۱۳۹۸)، *واکاوی طنز در آثار باستانی پاریزی*، تهران، بید.
- اشپولر، بازورث؛ کاهن، ک؛ لمبتن، آ. ک (۱۳۸۰)، *تاریخ‌نگاری در ایران*، ترجمه و تألیف یعقوب آزند، تهران، نشر گستره.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۴)، *تلاش آزادی*، تهران، انتشارات علمی.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۴)، *مقدمه فرماندهان کرمان*، تهران، کتابفروشی دانش.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۵)، *از ده‌های هفت‌سر*، تهران، نشر نامک.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۵)، *تاریخ شاه‌ی قراختاییان*، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۶)، *خاتون هفت‌قلعه*، تهران، امیرکبیر.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۷)، *از پاریز تا پاریس*، تهران، امیرکبیر.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۶)، *جامع‌المقدمات*، تهران، نشر علم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۸)، *گنجعلی خان*، تهران، انتشارات اساطیر.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۹)، *حصیرستان*، تهران، نشر علم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۰)، *حضورستان*، تهران، انتشارات ارغوان.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۰)، *هزارستان*، تهران، انتشارات بهنگار.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۱)، *شاهنامه آخرتس خوش است*، تهران، مؤسسه انتشارات عطایی.

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۴)، *بازیگران کاخ سبز*، قم، انتشارات خرم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۷)، *آفتابه زرین فرشتگان*، قم، انتشارات خرم.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۸)، *خودمشت‌مالی*، تهران، نشر نامک.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۸)، *شمعی در طوفان*، تهران، نشر نامک.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۲)، *گذار زن از گذار تاریخ*، تهران، ناشر کیانا.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۴)، *صحیفه‌الارثساد*، تهران، نشر علم.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۹۰)، *فرهنگ‌عامه*، تهران، انتشارات مهکامه.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۷)، *گود شاهر با چراغ در میانی انسان‌شناسی*، تهران، عطار.
- روزنتال، فرانتس (۱۳۶۵)، *تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، استان قدس رضوی.
- شعبانی، رضا (۱۳۹۲)، *ممیزات تاریخ‌نگاری در ایران*، تهران، قومس.
- فصیحی، سیمین (۱۳۷۲)، *جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی*، مشهد، نشر نوند.
- فیضی، کریم (۱۳۹۰)، *باستانی پاریزی و هزاران سال انسان*، تهران، اطلاعات.
- قنبری، امید (۱۳۹۴)، *زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی زنده‌یاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- قنوت، عبدالرحیم (۱۳۹۳)، *تاریخ‌نگاری محلی ایران در دوره اسلامی (تا سده هفتم هجری)*، تهران، انتشارات سمت.
- ناجی، محمدرضا؛ اطهر، علی؛ رازپوش، شهناز؛ فهیمی، مهین؛ دفتری، فرهاد؛ حداد عادل، غلامعلی؛ ربیعی، میثم؛ عودی، ستار (۱۳۸۹)، *تاریخ و تاریخ‌نگاری*، تهران، نشر کتاب مرجع.

#### مقاله‌ها

- امینی‌زاده، فاطمه و زرشناس، زهره، «طبقه‌بندی قصه‌های عامه در مجموعه هفت باستانی پاریزی و تاریخ کرمان محمود همت»، *مجله مطالعات ایرانی*، شماره ۳۳، ۱۳۹۷.
- حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، «درآمدی بر ریخت‌شناسی محلی‌نگاری در تاریخ معاصر

- ایران»، در مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تاریخ محلی مازندران، ویراستار علی رمضانی پاچی، ساری: نشر هاوژین.
- حسینی، سیدقاسم، «تاریخ از پایین»، فصل‌نامه مطالعات فرهنگی، شماره ۱، ۱۳۹۱.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۲)، «نقد و نظر درباره تاریخ‌نگاری دکتر باستانی پاریزی»، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۷۵ و ۷۶، ۱۳۸۲.
- رجایی، عبدالمهدی؛ چلونگر، محمدعلی؛ نورایی، مرتضی (۱۳۹۰)، «تاریخ‌نگاری محلی عصر قاجار و مؤلفه‌های آن»، مجله مطالعات اسلامی، تاریخ و فرهنگ، شماره ۴، ۱۳۹۰.
- رضایی، زهره؛ الهیاری، فریدون؛ جعفری، علی‌اکبر، «نگاهی تحلیلی به جایگاه مخاطب عام در تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی»، مجله تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، شماره ۲۲ و ۲۳، ۱۳۹۷.
- رنجبر، محمدعلی، «پارادایم شناسی تاریخ‌نگاری باستانی پاریزی»، پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۱، ۱۳۹۵.
- سجادی، سیدجعفر، «مجموع مقالات تاریخی: خاتون هفت قلعه»، مجله وحید، شماره ۲۶، ۱۳۴۴.
- قدیمی قیداری، عباس، «تاریخ‌نگاری محلی کردستان و ظهور اولین تاریخ‌نگار زن در ایران»، مجله پژوهش‌های تاریخی، شماره ۱، ۱۳۸۸.
- قنوت، عبدالرحیم؛ چلونگر، محمدعلی؛ نورایی، مرتضی، «آغاز تاریخ‌نگاری محلی ایران»، مجله تاریخ و فرهنگ، شماره ۸۴، ۱۳۸۹.
- محمدی، جمال؛ محمودی، جهانگیر، «روایت تاریخ در مطالعات فرو دستان (استراتژی‌ها و سیاست نوشتار تاریخ فرودستان)»، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۲، ۱۳۹۷.
- نورایی، مرتضی و رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۰)، «تنوع موضوعات در تاریخ‌نگاری محلی؛ دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ ق / ۱۷۹۶-۱۹۲۶ م)»، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۴، ۱۳۹۰.
- نورایی، مرتضی، «سر سخن: جغرافیای تاریخی و تاریخ محلی، تعاملات و تمایزات»، مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۳۹۰، ۱۶۳.

## رساله‌ها

- حسن آبادی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، «مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری محلی در تاریخ معاصر ایران»، پایان‌نامه دکترای تاریخ محلی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- رنجبر، اعظم (۱۳۹۴)، *سبک‌شناسی آثار باستانی یاریزی (با تکیه بر مجموعه هفتی)*، دانشکده ادبیات، دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان.

## منابع انگلیسی

- Kammen, C. (2008), *On doing local his A Study of Some Components of Local Historiography in Bastani Parizi's Works*
- Samuel, Raphael (1976) Local History and Oral History, History Workshop, No. 1 Spring.
- Leuillot, Paul (2003), A Manifesto: The Defense and Illustration of Local History, Come in Pursuit of Local History, American Association for State and Local History, Altamira press.